

زنده باد جنبش شورایی در ایران!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

اگر تا دیروز گرایش ضعیفی از فعالین سیاسی و کارگری به بحث جنبش شورایی در ایران می‌پرداختند دیگر امروز بحث جنبش شورایی به‌مشغله دست‌کم بخشی از کارگران کارخانه‌ها و شرکت‌های ایران و حتی بازنشستگان و جوانان بیکار در محلات تبدیل شده است. حتی تا دیروز بسیاری از فعالین و نیروهای سیاسی که خود را چپ، سوسیالیست و کمونیست هم می‌نامیدند در مقابل نیروهایی که جنبش شورایی و تشکیل شوراهای را تبلیغ می‌کردند ایستاده و به‌شدت مخالفت می‌کردند. چرا که به عقیده آن‌ها، تشکیل شوراهای فقط در دوره‌های انقلابی امکان‌پذیر است و صرفاً مبلغ اتحادیه‌ها بودند.

هرچند اکنون بخشی از جنبش کارگری ایران خواهان تاسیس شوراهای در محیط‌های کاری و یا محلات است اما این بحث تقریباً در جنبش کارگری ایران عمومیت دارد؛ به‌ویژه در مقطع انقلاب ۱۳۵۷، شوراهای در سطح وسیعی تشکیل شدند اما به لحاظ مضمونی و محتوایی آن شوراهای تفاوت زیادی با شوراهای کنونی دارند. یعنی اکنون این بحث پخته‌تر شده و طبقه کارگر در سطح گسترده‌ای آگاه‌تر و اجتماعی‌تر شده و توهمی به بورژوازی و حاکمیت ندارد. اخیراً با اعتصاب شکوهمند و تاثیرگذار کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه و مواضع نمایندگان آن‌ها اسماعیل بخشی که هم اکنون در زندان است با تحریف برخی گرایشات راست و چپ قرار گرفته است. برخی این شعار و موضعی که از سوی بخشی در جمع پنج هزار کارگر مطرح شده و کارگران نیز با صدای بلند و دست‌زدن آن را تایید کرده‌اند: «نان، مسکن، آزادی» و جنبش شورایی. اما برخی این شعار و بحث شورایی را به حکومت شورایی نسبت داده‌اند در حالی که نه بخشی و نه کارگران هفت‌تپه هرگز بحثی از حکومت نکرده‌اند.

روز دوشنبه ۵ آذر ۱۳۹۷، سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه با انتشار اطلاعیه‌ای تحت عنوان «مدیریت کارگری و شورایی نیشکر هفت‌تپه و تجربه دیگر کشورها» منتشر کرده و در آن تاکید کرده است: «یک مسئله مهم، اداره و مدیریت شرکت است. کارگران با هر دو نوع مدیریت دولتی و خصوصی آشنا هستند؛ هر دو شکل مدیریت برای کارگران بی‌حقوقی، پرداختن دستمزدها و مطالبات انباشته کارگری بوده است. اگر چه با خصوصی‌سازی اساساً موجودیت کارخانه و املاک به‌طور کلی به‌خطر افتاده است. اما کارگران این بار می‌خواهند نوع سوم مدیریت که بر اساس اراده کارگران و خالقان ثروت است را بیازمایند و آن اداره شورایی شرکت است.»

در پایان این اطلاعیه تاکید شده است: «از دهه‌های پیش در برخی از کشورها مانند آرژانتین، آلمان و یونان خودمدیریتی کارگری انجام شده است. از دو دهه پیش کارگران آرژانتینی با کنترل کارگری بر حدود ۲۰۰ مرکز کار و تولید از قبیل کارخانه‌ها، هتل‌ها، نانویی‌ها و بیمارستان‌ها موفق به انجام شیوه تولید به‌روش کارگری داشته‌اند. ما نیز در هفت تپه به هیچ‌وجه نمی‌خواهیم به هیچ بخش خصوصی برگردیم. ما می‌توانیم شرکت را به‌دست گرفته و خود آن را اداره کنیم.» (متن کامل این اطلاعیه را در پایان این مطلب مطالعه کنید.)

مطالبات کارگران نباید تحریف شود؛ نباید وارونه گردد؛ نباید تقلیل داده شود؛ کارگران نان، آزادی، مسکن می‌خواهد؛ آن‌ها آزادی نمایندگان خود و کارگران زندانی و زندانیان سیاسی را می‌خواهند؛ خودگردانی و مدیریت تولید و توزیع کارخانه و شرکت‌شان را می‌خواهند؛ شورا می‌خواهند، دموکراسی مستقیم می‌خواهند، آن‌ها نه مالکیت دولتی و نه مالکیت خصوصی نمی‌خواهند. کارگران به این حد از درایت و آگاهی طبقاتی رسیده‌اند که «تامین نان» در گرو خودگردانی و شورایی است.

امروز چهارشنبه هفتم آذر ماه، یکی از کارگران تفت‌تپه در گفتگو با خبرگزاری کار ایران «ایلنا، به‌مشکل دیگری نیز اشاره می‌کند: «امسال در هفت‌تپه، ۲۷۰ نفر بازنشست می‌شوند که موضوع پرداخت «سنوات بازنشستگی» آن‌ها نیز مطرح است؛ هرکدام به‌طور متوسط ۴۰۰ میلیون تومان طلب داشته باشند، ۳۴ میلیارد تومان نقدینگی برای تسویه حساب با این بازنشستگان نیاز است؛ این را چه‌طور می‌خواهند بپردازند؟»

پس کارگران هفت‌تپه و نمایندگان آن‌ها به‌صراحت به مسئله دستمزد، خودگردانی، خودمدیریتی شورایی و کنترل کارگری بر تولید و توزیع تاکید کرده‌اند نه این که بگویند ما حکومت شورایی می‌خواهیم. نه خیر چنین چیزی وجود ندارد و یک تحریف آشکار است. شاید حکومت شورایی نسبت به حکومت‌های دیگر کمی بهتر باشد اما حکومت یک قدرت مافوق شهروندان است و همه شهروندان نیز موظفند از آن تبعیت و قوانین‌اش که از بالا تعیین می‌شوند تبعیت کنند در غیره این صورت، مجرم شناخته شده و با پلیس و زندان و شکنجه و چه بسا اعدام هم سر و کار خواهد داشت.

به‌علاوه مهم‌تر از همه تبلیغ و ترویج و شعارهای نمایندگان کارگران هفت‌تپه طوری بوده است که آن‌ها حکومت و ارگان‌های آن را دچار بحران و سرگیجه سیاسی کرده‌اند در عین حال، توجه جنبش‌های اجتماعی دیگر همچون جنبش

زنان، جنبش دانشجویی، معلمان، دانش‌آموزان، بازنشستگان، خانواده‌ها و حتی بخشی از کسبه فقیر را نیز به جنبش خود جلب کرده‌اند و حتی بازار نماز جمعه این تجمع هفتگی حکومت در شهر شوش را فلج کرده‌اند.



جنبش خودمدیریتی دموکراتیک شورایی، تلاش می‌کند روحیه همبستگی و فعالیت جمعی برابری‌طلبانه را در جامعه رشد و رواج دهد. این جنبش، جهت چاره‌یابی مسائل سیاسی - اجتماعی برای پسا حکومت اسلامی، تاسیس خودمدیریتی دموکراتیک شورایی در سراسر جامعه ایران را مبنا قرار داده است. از این‌رو، تلاش ما بر این است که توجه جنبش‌ها و خلق‌های ایران را به این جنبش سیاسی - اجتماعی جلب کنیم.

امروز بحث تاسیس شوراهای، کانون‌ها، مجالس خلق، تعاونی‌ها و سازمان‌دهی دفاع عمومی با اتکا به مجامع عمومی، بحث روز است. چرا که برای پایان دادن به خودبستگی انسان‌ها در جامعه، باید زمینه فعالیت مشترک آن‌ها را فراهم کرد. افق و چشم‌انداز روشن و ملموسی در برابر جامعه قرار داد. برای مثال، اگر قرار است در آینده، دولت و ملت خودی ساخته شود با این اهداف و جهت‌گیری‌هایی که ما اشاره کردیم مغایر دارد. اما اگر قرار است جامعه پس از حکومت اسلامی از فلسفه «دولت - ملت» خودی عبور کند باید راه‌حل‌ها و اهداف اداره جامعه را در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دفاع عمومی، دیپلماسی و غیره شفافیت بخشد. به این دلیل نیز موضوع سازنده و شکل‌دهی به ذهنیت حیات اجتماعی، باید به‌دور از هرگونه تفکر دولت‌گرایی و ملی‌گرایی باشد. بدون فعالیت و تلاش کافی در این خصوص، عبور از مسائل و موانع و برپایی یک جامعه دموکراتیک سخت و دشوار است.

جوهر جنبش خودمدیریتی دموکراتیک شورایی، این است که راه و روش آزاد اندیشیدن، آزاد شدن و آزادزیستن را به جامعه نشان دهد. در این چارچوب نیز متحول ساختن سازمان‌یابی و شخصیتی شهروندان، از بنیادی‌ترین اهداف فعالیت‌های ماست. بدون این تحولات سازمانی و ذهنی مهم، ساختن جامعه آزاد و خودمدیر، و همچنین ایفای نقش در این راستا ممکن نیست. ضرورت دارد که گرایش‌های جدی دموکراتیک و سوسیالیستی و انقلابی، برای ارتقا سطح مشارکت و زندگی اجتماعی در روند ساختن یک جامعه واقعا آزاد و خودگردان، تمام سعی و کوشش خود را به کار گیرند. به عبارتی دیگر، ارتقا آگاهی و شخصیت دادن به شهروندان در سطوح بالایی نیاز دارد که در مبارزه تاریخی برای آزادی و رهایی از بردگی پیش روی ما قرار دارد. منظور از جنبش خودمدیریتی دموکراتیک شورایی، خودگردانی در جامعه و به‌معنای مردم آزاد است. مردم آزاد نیز به‌معنای ساختار جامعه‌ای است که خارج از محدوده دولت قرار گرفته است.

در جنبش خودمدیریتی دموکراتیک، دموکراسی مستقیم است نه دموکراسی رایج و نیابتی موجود در جامعه سرمایه‌داری. به‌علاوه این جنبش، نه توسط دولت، بلکه توسط مردم آزادی‌خواه و برابری‌طلب مخالف هرگونه تبعیض و نابرابری ملی، جنسیتی و کاپیتالیستی ساخته می‌شود. نیروهایی که به تاسیس جامعه خودمدیریتی دموکراتیک شورایی مبادرت می‌ورزند، در واقع پایه‌های مدیریت خویش را در مبارزه پیگیر با ستم ملی و استثمار سرمایه‌داری مستحکم می‌کنند.

در این اندیشه، شهروندان در هر مکانی، سازمان‌های متعدد خود را به‌وجود می‌آورند و این سازمان‌ها نیز از طریق شوراهای محلی خود را به یکدیگر مرتبط می‌سازند. جنبش خودمدیریتی دموکراتیک شورایی، به‌معنای سیستم سازمان‌های اجتماعی است. موسسات اجتماعی می‌توانند در این جنبش دموکراتیک جای گرفته و مستقیما به بیان مطالبات خود بپردازند.

این نوع از ارتباطات، آزادی را در خود و در جامعه بازتولید می‌کند. ارتباطات وسیع انسانی و برابر و داوطلبانه را در بطن خویش می‌پروراند. دموکراسی مستقیم خارج از محدوده دولت را در جامعه رشد می‌دهد.

در جنبش خودمدیریتی دموکراتیک تمامی اقدار جامعه، یعنی زنان، جوانان، کارگران و خلق‌های تحت ستم و گرایش‌های مختلف مذهبی نیز با تفاوت‌های اجتماعی‌شان دخالت مستقیم دارند. این جامعه نه به رقابت و تجزیه درونی، بلکه به اتحاد و همبستگی می‌اندیشد. در این راه، شرط اساسی زندگی اجتماعی و حفظ حرمت و موجودیت انسان در فضای آزاد، برابر و دموکراتیک است. اجزای جنبش خودمدیریت دموکراتیک شورایی، به‌مثابه بخش یا جزئی از جامعه طبیعی دارای جایگاه و احترام خود است. اجزای جامعه‌ای که نه به‌صورت سلسله‌مراتب کاپیتالیستی، بلکه به‌موازات هم و در کنار یکدیگر و دست در دست هم حرکت می‌کند. یعنی انسان‌ها بر اساس موازین آزاد و برابر و آگاهانه با یکدیگر متحد می‌شوند.

در جنبش خودمدیریت دموکراتیک شورایی هر جزء، بخش و سازمان ابتکار عمل مستقیم دارد. برای این‌که این اجزا بتوانند ساختار جامعه‌ای نیرومند را بنا نهند، بایستی همه اجزاء و عناصر آن متحد گردند. برای این‌که متحد شوند نیز به هم‌آهنگی نیاز دارند.

شوراهای، مجالس مردمی، کمیته‌ها، واحدها و سازمان‌های مختلف ابتکار عمل خود را دارند. این سیستم در هر شرایطی، در مقابل جامعه قرار داده می‌شود و تلاش‌ها در این راستا تعطیل نمی‌گردد.

در تاریخ دیده‌ایم که کارگران و خلق‌های محروم و اقدار ستم‌دیده با جان‌فشانی‌های زیادی با انقلاب خود سیستم دولت را سرنگون کرده‌اند، اما نهایت دولت دیگری را به‌قدرت رسانده‌اند. این چرخه تاکنون نه تنها از سوی احزاب و سازمان‌های بورژوازی، بلکه همچنان از سوی نیروهای ضدسرمایه‌داری، انقلابیون، سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها نیز تکرار شده است.

جنبش دموکراتیک خودمدیریت شورایی، به این دلیل مطرح است که از قدرت‌طلبی‌ها، کشمکش‌ها و رقابت‌ها و آسیب دیدن اتحادها و همبستگی‌های طبقاتی و انسانی جلوگیری می‌کند. باید فضایی به وجود آورد تا افراد و نهادها و نیروهای آزادی‌خواه و برابری‌طلب و عدالت‌جو مجال بروز خلاقیت‌ها و استعدادهایشان را پیدا کنند؛ همه به فکر خروج از وضع موجود باشند؛ همه به آفرینش بپردازند، همه از آزادی اندیشه و قلم و تشکل برخوردار گردند تا بر این اساس، انرژی نیروهای اجتماعی به‌طوری آزاد شود که امکان رشد و گسترش کافی داشته باشند. انسان‌ها، باید ارگان‌ها و نهادهای دل‌خواه خود را به‌وجود آورند و میدان عمل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آزادانه‌ای پیدا کنند. چنین انسان‌هایی هرگز زیر بار زور و قدرت، سانسور و سرکوب نمی‌روند و خواهان دخالت مستقیم در مدیریت و اداره جامعه خویش و عدالت اجتماعی می‌شوند.

در این مدل سیاسی، علاقه توده‌ها به سیاست و سایر امور جامعه، افزایش می‌یابد و به خودبستگی و سیاست‌گرایی پایان داده می‌شود. از این‌رو، جنبش خودمدیریتی دموکراتیک شورایی، سیستمی است که راه را برای مشارکت عموم جامعه هموار می‌سازد. این جنبش، مستقیماً جامعه و فرد را تشویق می‌کند که تمام ظرفیت‌ها و پتانسیل خود را در رفع مشکلات جامعه به‌کار اندازند. بدین صورت، محیطی ثمربخش و پرنشاط برای سیاست و سازمان‌دهی رفیقانه و صادقانه ایجاد می‌کند. هر واحدی که در سازمان‌دهی این جنبش جای می‌گیرد استقلال خود را داراست. چرا که مستقیماً مسئول سازمان‌دهی مناطق خود است. هر واحد، سازمان‌دهی خود را در میان کارگران، زنان، جوانان، فرهنگیان، اندیشه‌ورزان و دیگر اقشار اجتماعی دارد. جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویان و جوانان، جنبش بیکاران، جنبش روشنفکران و هنرمندان، جنبش‌های منطقه‌ای مردم ستمدیده و دیگر بخش‌های اجتماعی با سازمان‌دهی خود می‌توانند این واحدها را به سطح بسیار تاثیرگذاری ارتقا دهند. این واحدها، نقش دموکراتیزه کردن جامعه را ایفا کرده و نیز دموکراسی را غنی کرده، تعمیق داده و همه بخش‌ها را سازمان‌دهی می‌کند.

اساساً یک وجه مهم هر انقلابی، تغییری است که در وضعیت اجتماعی زنان و جوانان ایجاد می‌کند. یکی از دقیق‌ترین معیارهای سنجش مترقی بودن یک جنبش و یک نماد دموکراتیک بودن یک انقلاب، رشد آگاهی اجتماعی زنان و تغییر شرایط زیستی آنان به‌سوی بهتر شدن است.

این‌که زنان، به‌طور عملی دوشادوش مردان در فرایند انقلابی شرکت کنند، البته در جای خود نمود رشد دموکراتیک آن جنبش مفروض است، اما مسئله اصلی که تعیین‌کننده ماهیت برابری جنسیتی هر انقلابی است، عموماً به‌پس از پیروزی جنبش مربوط می‌شود.

این‌که آیا پس از پیروزی نیز، زنان همچنان نقش برجسته خود در فرایند انقلاب را حفظ خواهند کرد؟ و یا در عوض همانند دیگر گروه‌های فرودست اجتماعی گوناگون که نقشی سرنوشت‌ساز در فرایند انقلاب داشته‌اند، به‌طور سیستماتیک از دستیابی به‌موقعیت‌های قدرت محروم می‌گردند.

برخلاف دیگر جنبش‌هایی که پس از دستیابی به‌قدرت، جایگاه پیشین زنان مبارز را از آنان دریغ می‌کنند، در مدل سیاسی و اجتماعی خودمدیریت دموکراتیک شورایی، زنان در قدرت سیاسی به‌طور واقعی هم‌قبل و هم‌پس از انقلاب سهیم هستند. بنابراین، در جنبش خودمدیریت دموکراتیک شورایی، زنان از جایگاه مهمی برخوردارند. در این مدل سیاسی، زن و مرد دوش‌به‌دوش هم حرکت می‌کنند و در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دفاع عمومی از جایگاه یک‌سان و برابری برخوردار می‌گردند. در طول تاریخ بشر، همیشه مبارزه و مقاومت زن ادامه داشته و دارد. زن برای آفریدن زندگی اجتماعی، برای تامین زندگی و مبارزه با شرایط سخت، رنج‌ها و سرکوب‌های زیادی را متحمل شده است. از این‌رو، تاسیس و تثبیت یک جامعه نوین، باید از جامعه مردسالار کاپیتالیستی عبور کند تا به یک جامعه آزاد و برابر برسد.

بایستی جنبش شورایی متکی بر آزادی، برابری و عدالت اجتماعی باشد نه صرفاً یک و یا چند حزب قدرت را بگیرند و شهروندان را وادار کنند از دولت آن‌ها تبعیت کنند. ما تاریخاً در مدل‌های مختلف حکومتی، مانند شوروی سابق و یوگسلاوی سابق، شاهد اعمال قدرت از بالا بودیم و نه از پایین. چنانچه دیدیم پس از فروپاشی این دو مدل، چگونه گرایش‌های ناسیونالیستی و مذهبی به جان مردم افتادند. بنابراین، ستم ملی در ایران یک واقعیت آشکار است اما رفع ستم ملی در این کشور، نه در نگرش حق تعیین سرنوشت تا سر حد جدایی، بلکه در نگرش زندگی مسالمت‌آمیز خلق‌های مختلف در کنار هم و در ساختن یک جامعه دموکراتیک شورایی است که همه خلق‌ها سرنوشت خویش را مستقیماً به‌دست خویش رقم بزنند و آزادی و برابری و دوستی و همبستگی نه تنها در میان خلق‌های ایران، بلکه خلق‌های منطقه و جهان را به ارمغان آورند.

در جنبش خودمدیریت دموکراتیک شورایی، محیط زیست جایگاه خاصی دارد. یعنی در این مدل انسان و طبیعت با همدیگر اجین می‌شوند و اجازه نمی‌دهند محیط‌شان آلوده شود. امروز مسئله محیط زیست در ایران، نه یک مسئله لوکس، بلکه یک مسئله دردآور و فلاکت‌بار و تکان‌دهنده است. چرا که فقط در پایتخت نمایندگان خدا، هر سال حدود چهار هزار انسان به دلیل آلودگی هوا، جان خود را از دست می‌دهند. اکنون ریزگردها در خوزستان و سیستان و بلوچستان فاجعه‌بار و غیرقابل تحمل شده است. دریاچه‌ها و تالاب‌ها، یکی پس از دیگری خشک می‌شوند و جنگل‌ها نابود می‌گردند. اکنون در بسیاری از شهرها و مناطق مختلف ایران، کم‌آبی به یک معضل بزرگ انسانی تبدیل شده است و در بعضی مناطق به درگیری منجر شده و یا جیره‌بندی آب و آوردن آب با تانکر از نقطه دیگر به مرحله اجر درآمده است.

خشک شدن دریاچه نمک ارومیه، تنها خشک شدن یک دریاچه نیست که در جای خود دردناک است اما خشک شدن این دریاچه، کوهی از نمک را بر جای می‌گذارد که با وزیدن هر باد و باران و طوفانی به مناطق دیگر می‌رود و باعث خشک شدن مراتع و باغ‌ها می‌شود و بیماری‌های پوستی و چشمی به‌وجود می‌آورد. این مسئله جان و زندگی حدود ۲۵ تا ۳۵ میلیون انسان و همچنین میلیون‌ها موجود زنده دیگر را تهدید می‌کند. گفته می‌شود تاکنون بیش از ۷۰ درصد دریاچه ارومیه خشک شده و عامل اصلی آن نیز حکومت اسلامی است. ده‌ها سد در اطراف این دریاچه ساخته شده و آب آن‌ها مانند سابق به این دریاچه نمی‌ریزد. از وسط دریا جاده‌ای بین ارومیه و تبریز کشیده شده است که از هر طرف بخشی از دریاچه را با شن و سنگ پر کرده‌اند و این مسئله مانع جزر و مد طبیعی دریاچه شده است. بنابراین مسئله زیست محیطی در ایران، یک مسئله سیاسی و امنیتی شده است و فعالین این عرصه در زندان‌ها هستند و حتی اخیراً یک کارشناس دانشگاهی آن را نیز در زندان زیر شکنجه کشتند. از این‌رو، اهمیت ویژه به مسئله محیط زیست در سیستم کنفدرالیسم دموکراتیک شورایی و یا خودمدیریت دموکراتیک شورایی یک امر حاشیه‌ای نیست، بلکه یک امر مرکزی و مهم است.

اقتصاد در جنبش خودمدیریت دموکراتیک شورایی چه وضعی پیدا خواهد کرد؟ اصولاً اقتصاد بر چه مبنایی سازمان‌دهی خواهد شد؟ مسئله مزدگیران چه شکلی پیدا خواهد کرد؟ آیا رابطه اقتصادی کماکان با جهان سرمایه‌داری چگونه تنظیم خواهد شد؟ و... چنانچه در سطح محلی، شوراهایی که کنترل تولید و توزیع در مراکز تولید و اداره جامعه را بر عهده گرفته‌اند و به‌شبه‌های خودگردان محلات را اداره می‌کنند اگر در سطح سراسری و ارتباطات بین‌المللی با سرمایه و جهان بیرون خود را تنظیم نکنند چه بسا مسیر آن منحرف خواهد شد.

اقتصاد شورایی همانند سیاست آن در مقابل اقتصاد کاپیتالیستی قرار دارد و این اقتصاد نباید مبتنی بر کسب سود و کار مزدی باشد. تولید هم باید بر مبنای نیازها جامعه صورت گیرد نه برای انباشت سرمایه. در این سیستم، اقتصاد همگانی است. یعنی همه از حق و حقوق اقتصادی و سیاسی و اجتماعی یکسانی برخوردارند و مازاد اقتصادی نیز به توسعه خدمات عمومی و نیازهای جامعه به‌ویژه به مناطق محروم کشور، آموزش و پرورش، درمان و بهداشت و رفاه بازنشستگان اختصاص داده می‌شود. در واقع رسیدن به خودمدیریتی دموکراتیک شورایی، اقتصادی مبتنی بر صنعت اکولوژیک و اقتصاد کمونی محوریت دارد. اقتصاد و صنعت و توسعه باید همسو با محیط زیست باشند. سیستم مالی و بازاری در این سیستم بر کسب پول از طریق پول مبتنی نیست، بلکه در پی بازدهی اقتصادی است و تلاش برای تحقق شعار «کار کردن آزاد است» به‌جای تصور کار به‌مثابه عمل شاق و بی‌گاری.

دفاع در این سیستم، مبتنی است بر سیستم خوددفاعی. بر این اساس کلیه امور امنیتی داخلی و دفاع ملی مشترکی که در برابر خارج صورت می‌گیرد، باید توسط خود جامعه سازمان‌دهی شوند، چرا که یک جامعه متحد و متشکل و آگاه می‌تواند به‌بهبودترین وجهی امنیت داخلی و خارجی‌اش را برقرار سازد و به‌مناسبت‌ترین شکلی نیازهای آن را برآورده سازد.

جنبش خودمدیریت دموکراتیک شورایی، از دیپلماسی به‌مثابه ابزار صلح و برقراری روابط مفید و دوستانه با خلق‌های همسایه و اجتماعات خویشاوند بهره می‌گیرد و همچنین به سازمان‌دهی اجتماعات مشترک می‌پردازد.

طبق نظریات آخرین دستاوردهای علمی و آگاهی بشر، به‌خصوص علوم اجتماعی، تمامی مشکلاتی که انسان درگیر چاره‌یابی آن است، با هم مرتبط هستند. امروز از بسیاری لحاظ، علم دیالکتیک سعی بر آن دارد مرزهای تعیین شده را سپری کند و به منشأ آن برسد. گام‌های زیادی نیز برداشته شده‌اند که حائز اهمیت هستند. دیگر معضل کارگران فقط با نابرابری صنفی و جامعه طبقاتی ارزیابی نمی‌شود. دیگر کارخانه‌ها همچون تنها علت اصلی مشکلات اکولوژیک پنداشته نمی‌شوند. ما در جامعه کنونی ایران، میلیون‌ها بیکار و میلیون‌ها زن خانه‌دار داریم که هیچ‌گونه درآمدی ندارند. بیش از ۲۰ میلیون حاشیه‌نشین داریم. دیگر بر این امر واقفیم که حاکمیت کاپیتالیستی و یا سوسیالیستی حزبی و سوسیالیسم موجود و با اتکا به تجارب شوروی سابق و چین به اصطلاح «کمونیست» امروز، به‌معنی تحقق سوسیالیسم علمی و راستین نیست. دیگر آشکار شده که اقتصاد فقط بخشی از زندگی اجتماعی است و تعیین‌کننده هر چیزی نیست. بنابراین، ما موظفیم دوباره جهان‌مان را تفسیر کنیم. دوباره خودمان را سازمان‌دهی کنیم. ما در قرن بیست و یکم، وظیفه داریم جهان و همه پدیده‌هایش را با دیدگاهی نو و با اتکا به آخرین دستاوردهای علمی و آگاهی بشر ارزیابی کنیم. دیگر زمان خوش‌بینی تدریجی و قطره‌چکانی اصلاحات در ایران سپری شده است پس باید به‌فکر سازمان‌دهی انقلاب اجتماعی بود. انقلابی که سرنوشت انقلاب کمون پاریس، روسیه و انقلاب ۱۳۵۷ ایران، دچار نشود. نهایتاً امروز باید تصورات و تخیلات خودمحوری بینی، فرقه‌گرایی، کیش شخصیت و رقابت‌های کاذب سازمانی و شخصیتی را کنار گذاشت و با پیرامون خود به بحث و گفتگو نشست.

تا آن‌جا که به جنبش خودمدیریت دموکراتیک شورایی ایران برمی‌گردد این جنبش، یک جنبش کاملاً مستقل است و به‌هیچ نیروی داخلی و خارجی وابسته نیست. این جنبش و نیروهای آن، خود را رقیب هیچ سازمان و حزبی نمی‌داند. سیاست‌ها و اهداف این جنبش، جدی است و حرف تازه برای گفتن دارد. این جنبش، علیه هرگونه تبعیض و ستم و نابرابری و علیه کاپیتالیسم است. این جنبش، آمادگی دارد که حتی با منتقدان و مخالفان خود گفتگو کند و از نیروهایی که خواهان پیوستن فردی و جمعی و سازمانی به این جنبش هستند استقبال می‌کند. نهایت این جنبش، برای ساختن جامعه نوینی مبارزه می‌کند که در آن همه شهروندان بدون توجه به جنسیت، ملیت، رنگ، اختلافات سیاسی و مذهبی، دور هم جمع می‌شوند و در جهت تاسیس و تثبیت یک جامعه دموکراتیک، آزاد و برابر بحث و گفتگو و تصمیم‌گیری می‌کنند و خودشان نیز مستقیماً مجری تصمیمات مجامع عمومی خود می‌شوند.

اعتراض و اعتصاب کارگران ایران روز بروز گسترش می‌یابد. برای مثال، کارگران شرکت فولاد اهواز نیز روز سه‌شنبه ششم آذر ماه، در ادامه تجمعات خود با سر دادن شعارهایی از جمله «ما کارگران فولاد، علیه ظلم و بیداد، می‌جنگیم می‌جنگیم»، «حسین حسین شعارشان دزدی‌ها افتخارشان»، «صدای هر کارگر مرگ بر ستمگر» و «نه حاکم نه دولت، نیستند به فکر ملت» و...، خواهان برآورده شدن مطالبات خود شدند.

طی این روز اقتضای مختلف به شیوه‌های مختلفی همبستگی و حمایت خود را از اعتراضات کارگران مجتمع نیشکر هفت‌تپه و فولاد اهواز نشان دادند. از جمله کارگران شرکت آریان فولاد شهرستان بوئین زهرا استان قزوین با تجمع در مقابل فرمانداری بوئین زهرا حمایت خود را از کارگران نیشکر هفت‌تپه و فولاد اهواز اعلام کردند. روز سه‌شنبه در برخی نقاط دیگر کشور نیز تجمعات اعتراضی برگزار شد..

*کارگران شهرداری لالی در اعتراض به یازده ماه عدم دریافت حقوق دست به تجمع اعتراضی در میدان شهدای ۲۱ دی این شهر زدند.

در پی این تجمع اعتراضی که به‌دنبال ۴ روز اعتصاب کارگران شهرداری این شهرستان صورت گرفت یکی از آنان به‌نام بهرام رحیمی در محل تجمع از شدت فشارهای وارده معیشتی و ناراحتی ناشی از عدم توجه مسئولین به شرایط مشقت بارشان دچار حمله قلبی شد و با حضور اورژانس در محل به بیمارستان منتقل گردید.

کارگران معترض شهرداری لالی پس از تجمع در میدان شهدای ۲۱ دی این شهر و انتقال همکارشان به بیمارستان، دست به راهپیمایی به‌سوی دفتر امام جمعه زدند که با ممانعت نیروهای انتظامی مواجه شدند اما با وجود این ممانعت و تلاش از سوی مأمورین انتظامی برای پایان تجمع، آنان راهپیمایی خود را به‌طرف دادگستری شهر کشاندند و با تجمع در مقابل آن خواهان پرداخت حقوق‌های معوقه خود شدند.

***تجمع اعتراضی بیمانکاران مقابل ساختمان شورای شهر تهران.** بیمانکاران شهرداری تهران در اعتراض به عدم پرداخت مطالباتشان در مقابل ساختمان شورای شهر تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند. روی یکی از بنرهای آن‌ها خطاب به کارگزاران نوشته شده بود: براندازم به تهایی بساطرانت و رشوه.

***تجمع غارتشدگان موسسه کاسپین در تهران.** غارتشدگان موسسه کاسپین در تهران در مقابل سازمان موسوم به دیدبان شفافیت و عدالت تجمع کردند.

آن‌ها شعار می‌دادند: دیدبان عدالت ماها را کردن غارت؛ نه قاضی نه دولت نیستند به فکر ملت؛ دولت ور شکسته رو پول ما نشسته؛ دیدبان عدالت مهار بزن به غارتو...

***تجمع باز نشستگان مقابل اداره کار.** جمعی از بازنشستگان سراسر کشور در مقابل اداره کار در تهران تجمع کردند. تجمعکنندگان که تراکت‌های اعتراضی در دست داشتند که بر روی آن‌ها نوشته شده بود: درد ما درد شماسست، مردم به ما ملحق شوید!؛ بازنشستگان با شعارهای: معیشت، امنیت، سلامت حق مسلم ماست؛ فریاد، فریاد، از این همه بی‌داد؛ حقوق ما ریالیه. هزینه‌ها دلاریه؛ اختلاس‌ها کم بشه، مشکل ما حل می‌شه؛ حقوق‌های نجومی، فلاکت عمومی؛ ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه؛ سفره ما خالیه، پُر شما عالیه؛ حقوق ما ریالیه. هزینه‌ها دلاریه؛ خط فقر ۶ میلیون، حقوق ما دو میلیون؛ معلم زندانی آزاد باید گردد؛ مردم به ما ملحق شوید، درد ما درد شماسست؛ این همه بی‌عدالتی، هرگز ندیده ملتی؛ و... اعتراض خود را به وضع موجود اعلام کردند.

در ساعت ۱۱ که گروه بازنشستگان پارک شهر قصد داشتند جهت مذاکره به داخل محوطه و سالن وزارت کار بروند تعداد زیادی از معلمان که اعتقادی به مذاکره با دزد سفره‌های بازنشستگان نداشتند محل را دسته دسته ترک کردند. در تمام وقت پلیس و لباس شخصی‌ها حضور پررنگی داشتند.

***تجمع بازنشستگان ۴ سال اخیر دانشگاه علوم پزشکی بوشهر.** بازنشستگان ۴ سال اخیر دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در مقابل درب این دانشگاه در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات و پاداش بازنشستگی شان تجمع کردند.

***اعتراض کارگران روغن جهان خاتمه یافت.** اعتراضات صنفی کارگران کارخانه روغن نیباتی جهان در شهر زنجان با وعده پیگیری مسئولان استانداری از صبح امروز سه‌شنبه ۶ آذر خاتمه یافت و کارگران به سر کار بازگشتند.

بر همین اساس؛ تمامی کارگرانی که در نوبت صبح این واحد صنعتی مشغول کار بوده‌اند، به کار سابق خود بازگشته و در حال حاضر فعالیت بخش‌های مختلف این واحد صنعتی به حالت عادی بازگشته است.

کارگران تصریح کردند: تجمع ۱۲ روزه آن‌ها درحالی امروز خاتمه یافته است که مدیرعامل کارخانه با حضور در محل استانداری زنجان وعده کرد که تقریباً هر ۱۵ روز یکبار یک ماه از مطالبات مزدی ۱۰ ماهه کارگران را پرداخت کند. در عین حال کارفرما دستور بازگشت به کار ۱۹ همکار تعدیل شده این کارخانه را صادر کرده است.

***تجمع در حمایت از کارگران فولاد و هفت‌تپه.** کارگران شرکت آریان فولاد شهرستان بوئین زهرا (استان قزوین) مقابل فرمانداری این شهر در حمایت از کارگران اعتصابی شرکت‌های نیشکر هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز دست به تجمع زدند. راه‌پیمایی اعتراضی دانشجویان علامه تهران. دانشجویان دانشگاه علامه تهران، امروز به‌دلیل اعتراض به مسئله تبعیض جنسیتی راه‌پیمایی را در دانشگاه به جریان انداختند و از سایر دانشجویان هم درخواست کردند برای پیش‌برد مبارزه علیه تبعیض جنسیتی ظالمانه موجود در دانشگاه‌ها به آن‌ها بپیوندند.

***حدود ۱۷۰ کارگر قراردادی شرکت «تالون»، یکی از پیمانکاران آزادراه تهران - شمال، حدو سه روز است که به علت عدم دریافت مطالبات مزدی سال جاری و عیدی دست از کار کشیده‌اند.**

کارگران قراردادی شرکت تالون در تماس با ایلنا گفتند که از روز دوشنبه ۵ آذرماه، دست از کار کشیده و در مقابل کارگاه مرکزی در منطقه پل زنگوله جاده چالوس تجمع کرده‌اند. اعتراض این کارگران به دلیل عدم دریافت ۴ ماه مطالبات مزدی سال جاری و عیدی است.

این ۱۷۰ کارگر، شرایط معیشتی خود را ناگوار توصیف کرده و گفتند: با توجه به وضعیت بحرانی اقتصادی کشور که در نتیجه آن قیمت کالاهای اساسی و مصرفی بسیار افزایش پیدا کرده، توان تامین مایحتاج معیشتی خانواده‌های خود را از دست داده‌ایم.



روز سه‌شنبه ششم آذر ماه، تجمعات اعتراضی کارگران نیشکر هفت‌تپه با شور و شوق و قدرت ادامه دارد. کارگران در بیست و سومین روز از اعتراضات خود با شعارهایی چون «اسماعیل رو گرفتند، ما همه بخشی هستیم»، «نه تهدید نه زندان دیگر اثر ندارد»، «کارگر زندانی آزاد باید گردد» و... در مقابل فرمانداری شوش تجمع کردند و بر خواست‌های خود پافشاری کردند.

اولین خواست فوری کارگران نیشکر هفت‌تپه، آزادی اسماعیل بخشی نماینده جسور و محبوب‌شان و سپیده قلیان خبرنگار و فعال دانشجویی است که در جریان اعتراضات کارگران هفت‌تپه بازداشت شده است.

دفاع از مبارزه کارگران هفت‌تپه و کارگران فولاد اهواز و همچنین تلاش برای آزادی اسماعیل بخشی نماینده کارگران هفت‌تپه و سپیده روزنامه‌نگار و همه زندانیان سیاسی و اجتماعی، امر و وظیفه همه نیروها و انسان‌های آزاده است. همبستگی با کارگران نیشکر هفت‌تپه در دخال و خارج کشور همچنان ادامه دارد.

کارگران این شرکت، علاوه بر اعتراض به عدم دریافت دستمزدهای معوقه خود، خواستار واگذاری مالکیت آن به کارگران، یا به دولت و با مدیریت شورای کارگری هستند؛ اما دولت حسن روحانی با این درخواست مخالفت کرده است.

تاکنون تنها یک ماه از چهار ماه دستمزد معوقه کارگران نیشکر هفت‌تپه پرداخت شده و بانک آن را به‌خاطر طلب‌های کارگران مصادره کرده است.

کارگران شرکت فولاد اهواز نیز روز سه‌شنبه، در حالی که نیروهای گارد ویژه آن‌ها را احاطه کرده و سعی در جلوگیری حرکت آن‌ها به طرف مرکز شهر را داشتند با سر دادن شعارهایی از جمله «ما کارگران فولاد، علیه ظلم و بیداد، می‌جنگیم، می‌جنگیم»، «ام‌الفساد اهواز همین‌جاست همین‌جاست» و «کارگر می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد» با تظاهرات اعتراضی و راه‌پیمایی در سطح شهر خواهان برآورده شدن مطالبات خود شدند.

روز دوشنبه مامورین برای دستگیری علی نجاتی رییس اسبق و عضو کنونی سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه به منزل مسکونی وی هجوم آوردند که به‌علت عدم حضور موفق به دستگیری وی نشدند.

زانیار دباغیان، فعال کارگری اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به تشکل‌های کارگری در شهر سندج است که در شانزدهم مهر ماه نود و هفت توسط نیروهای امنیتی این شهر بازداشت شده و هنوز از اتهام‌های وارده به ایشان و محل نگهداری وی اطلاعی در دست نیست.

همچنین فعال کارگری عزت نصری، عزت نصری تاریخ ۹۶/۱۰/۲ در شهر سقز توسط نیروهای لباس شخصی دستگیر و راهی زندان شد.

هم‌زمان با تداوم اعتراض‌های کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه و فولاد اهواز، صادق لاریجانی، رییس قوه قضاییه سرکوب و اعدام، روز دوشنبه تهدید کرد که «بهبانه کردن مطالبات کارگران برای برهم زدن نظم کشور، قابل قبول نیست.»

البته بحران در صنایع ایران، یک بحران ساختاری و گسترده است. محبوب نماینده مجلس شورای اسلامی از تهران، با اشاره به گسترده‌تر شدن اعتراضات کارگران، به «تابناک» گفته است: اکثر واحدهایی که به اسم خصوصی‌سازی واگذار شده با مشکل روبه‌رو هستند و از وجود دو هزار واحد که پس از واگذاری بحران‌زده شده‌اند خبر داده است.

او گفته: قاطبه واحدهایی که در زمان احمدی‌نژاد واگذار شده‌اند، دچار مشکل یا تعطیل هستند و یا در آستانه تعطیلی قرار گرفته‌اند؛ برای نمونه، شرکت دولتی چیت‌سازی تهران است که در همین نزدیک خودمان قرار دارد و تعطیل شده و البته شرکت ارج، آزمایش و مواردی از این دست کم نیستند.

از سوی دیگر با بحرانی‌تر شدن اقتصاد ایران و تاثیر تحریم‌های اخیر، توان خرید خانواده‌های کارگران و محرومان جامعه به‌شدت پایین آمده است. فقر و گرانی و بیکاری به‌ویژه در کلان‌شهرها غوغا می‌کند. حتی برخی مقامات حکومتی نیز گاهی به این مسئله اقرار می‌کنند. برای نمونه، رسول خضری عضو کمیسیون اجتماعی مجلس حکومت به وبسایت شفقنا گفته است: خط فقر الان با این وضعیت گرانی باید تغییر پیدا کند و من فکر می‌کنم خط فقر به ۵ میلیون در شهرستان‌ها و در تهران به ۱۰ میلیون تومان نزدیک می‌شود و این واقعیت را باید بپذیریم. او در مورد بسته‌های حمایتی دولت گفت: دولت به ۱۱ میلیون نفر از اقشار کم‌درآمد داده شده است در حالی که کمیسیون ۲۰ تا ۴۰ میلیون نفر را پیش‌بینی کرده است.

به این ترتیب، جنبش کارگری ایران با قدرت پیش می‌رود و دیر نیست که اعتصاب عمومی و سراسری کارگران و مدافعین جنبش کارگری در ایران برگزار گردد و حکومت اسلامی را به لبه پرتگاه براند.

در حقیقت پروژه خودمدیریت دموکراتیک شورایی در پروسه ساختن زیربنای فکری و عملی خود موظف است به‌طور جدی به مسئله طبقاتی کارگران، زنان، جوانان، بازنشستگان، خلق‌های ستم‌دیده ایران و به‌مسئله زیست محیطی توجه کند و دست به‌ریشه مناسبات سرمایه‌داری ببرد. در غیر این صورت آسیب‌پذیر خواهد شد. به‌خصوص باید توجه کنیم که این الگو دشمنان زیادی در سطح منطقه و جهان دارد.

یک ویژگی مهم و برجستگی جنبش خودمدیریت دموکراتیک شورایی، این است که بیان شکل‌های هویتی نه از قبیل هویت‌های ملی، جنسیتی، نژادی و مذهبی، بلکه به‌واسطه شوراها و نمایندگان اجرایی آن به‌شیوه دموکراتیک و انسانی و برابری‌طلبانه تضمین می‌شود و از شکل‌گیری کانون‌های خصمانه سیاسی و نابرابر ثروت و قدرت در کنار هم ممانعت به‌عمل می‌آورد.

پرواضح است که بدون مشارکت عمومی و در جامعه‌ای از خودبیگانگی دموکراسی، آزادی و سوسیالیسم تحقق نمی‌یابد. هر انسان آزاده، برابری‌طلب و عدالت‌جو وظیفه آگاهانه دارد که در میان از خودبیگانگی جهان امروز، به‌سوی جهان دیگری حرکت کند. باید حامل آن پیام و فرهنگ جهان‌شمول انسانی باشد که انسان‌ها همدیگر و طبیعت‌شان را دوست دارند. زمان و حوصله شنیدن صدای همدیگر را دارند. آگاهند که چگونه خلاقیت‌های مشترک‌شان را شکوفا سازند. برای رسیدن به چنین فضایی، ضرورت دارد که گرایش‌های خودمحوربین، خودخواه، پرخاشگر، شخصیت‌پرست، مقام‌پرست، فضایی، فرقه‌گرا و سکتاریست، وسیعا و صریحا مورد نقد قرار گیرند. ما باید از انقلابات و جنبش‌ها و تحولات گذشته و حال، برای تغییر و تحولات امروزی جهان بیاموزیم و تجربه کسب کنیم. به تغییر جهان همانند تغییر فصل‌ها باور داشته باشیم و همواره به بهار آزادی، نوید لغو کار مزدی و بردگی، به برابری زن و مرد، به رعایت حقوق کودکان، به احترام بازنشستگان، به گلستان آزادی زبان‌های مادری، مذاهب، و در یک کلام به جامعه خودمدیریت دموکراتیک شورایی و سوسیالیستی و نهایتا به یک جامعه بی‌طبقه شهروندان آزاد بیندیشیم!

ضمیمه:

*مدیریت کارگری و شورایی نیشکر هفت تپه و تجربه دیگر کشورها.

کارخانه کاشی و سرامیک "زنون" در آرژانتین از مشهورترین مواردی بوده که کارگران خودشان آن را به روش مدیریت کارگری و شورایی اداره کردند. کارگران کارخانه مذکور پس از آن که کارفرما با بدهی زیاد و نیز دریافت وام‌های کلان متواری شده بود (دقیقا مانند هفت تپه)، کارخانه را به دست خود گرفتند و با اداره شورایی، کارخانه را احیا کردند؛ از اخراج ها جلوگیری کردند و مدیریت کارگری را تجربه کردند. اگرچه کشور هنوز سرمایه داری بود اما کارگران موفق شدند روش خودگردانی کارگری را عملی کردند.

یکی از مطالبات اساسی کارگران نیشکر هفت تپه که از مدت ها پیش در همه تجمع‌ها و محافل هفت تپه مطرح شده، بازپس‌گیری شرکت از بخش خصوصی به دولت و یا به کارگران است.

یک مسئله مهم، اداره و مدیریت شرکت است. کارگران با هر دو نوع مدیریت دولتی و خصوصی آشنا هستند؛ هر دو شکل مدیریت برای کارگران بی‌حقوقی، نپرداختن دستمزدها و مطالبات انباشته کارگری بوده است. اگر چه با خصوصی‌سازی اساسا موجودیت کارخانه و املاک به طور کلی به خطر افتاده است. اما کارگران این بار می‌خواهند نوع سوم مدیریت که بر اساس اراده کارگران و خالقان ثروت است را بیازمایند و آن اداره شورایی شرکت است.

کارفرمایان همیشه از ما می‌خواهند یک دروغ بزرگ را قبول کنیم که کارگران توان مدیریت و اداره محل کار خود را ندارند؛ این دروغ بزرگ است که مثل این که ضروری است که باید همیشه مدیران و نماینده های کارفرمایان اعمال مدیریت کنند و چه چیزی تولید بشود و چه نشود، چگونه و چه زمان تولید شود و خلاصه همه چیز را آن‌ها تصمیم بگیرند. آن‌ها کارگران را فاقد شعور و توان لازم و کافی می‌شناسانند!

ما می‌دانیم که ثروت سرمایه داران هر روز بیش‌تر می‌شود و ما کارگران فقیرتر. در هیچ دوره‌ای، حقوق و مزایای دریافتی ما کفاف زندگی مان را نداده است. ما همیشه دغدغه مسکن مناسب داشتیم. همیشه تشکل مستقل ما سرکوب شده است. واقعیت این است که هیچ کسی بهتر از ما نمی‌تواند بر خودمان حاکم باشد. یک دوره‌ای کارگر را انسانی بی سواد و یا کم سواد تعریف می‌کردند. اما همه ما اطلاعات و دانش و توان خودمدیریت کردن محل کار و زندگی مان را داریم؛ کافی است به نیروی خود اتکا کنیم و از اعتماد به نفس مان استفاده کنیم. می‌توانیم از تجربه کارگران در کشورهای دیگر بهره جوییم.

از دهه های پیش در برخی از کشورها مانند آرژانتین، آلمان و یونان خودمدیریتی کارگری انجام شده است. از دو دهه پیش کارگران آرژانتینی با کنترل کارگری بر حدود ۲۰۰ مرکز کار و تولید از قبیل کارخانه‌ها، هتل‌ها، ناتوایی‌ها و بیمارستان‌ها موفق به انجام شیوه تولید به روش کارگری داشته‌اند.

ما نیز در هفت تپه به هیچ‌وجه نمی‌خواهیم به هیچ بخش خصوصی برگردیم. ما می‌توانیم شرکت را به دست گرفته و خود آن را اداره کنیم.

دوشنبه ۵ اذر ۱۳۹۷

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه.